

راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با تأکید بر مؤلفه‌های مؤثر اقتصادی و سیاسی

ملوک پرتوی شفق^{*}

امروزه نقش سرمایه‌های خارجی به‌عنوان یک عامل مؤثر در تحقق روند توسعه جوامع امری پذیرفته شده است. یک جامعه هنگامی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفق است که بستر مناسب این فرایند را فراهم نموده باشد. در این رابطه جوامع گوناگون، با شیوه‌های مختلف درصدد جلب سرمایه شرکت‌های چند ملیتی و سایر منابع سرمایه‌ای جهان هستند و رقابت گسترده‌ای میان آنان در اتخاذ راهکارهای مؤثر جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد.

بخش اول این مقاله از طریق طرح دیدگاه‌های نظری توسعه، برخی پارامترهای سیاسی و اقتصادی حاکم بر روند توسعه جوامع را شناسایی می‌نماید. سپس با پذیرش فرض تعامل میان جریان سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه، پارامترهای فوق‌الذکر را در قالب عوامل درونی و

*. ملوک پرتوی شفق؛ مسئول گروه مطالعات مالی بین‌الملل، معاونت امور اقتصادی.

برونی تأثیرگذار بر روند جذب سرمایه‌های خارجی به جوامع، مورد بحث و بررسی قرار داده و عملکرد این مؤلفه‌ها را در اقتصاد ایران بررسی می‌نماید.

در بخش دوم با توجه به عملکرد عوامل فوق‌الذکر، ابتدا نگرش اجمالی به جریان سرمایه‌گذاری خارجی ایران داشته، و سپس راهکارهای سیاسی و اقتصادی مؤثر بر افزایش این متغیر نیز ارائه می‌گردد.

کلید واژه‌ها:

ایران، سرمایه‌گذاری اجتماعی، توسعه اقتصادی اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی

مقدمه

رقابت گسترده کشورهای جهان بویژه کشورهای در حال توسعه جهت جذب سرمایه‌های خارجی ایجاب می‌نماید که این جوامع چالشها و موانع این فرایند را شناسایی نموده و سازوکار مناسبی جهت تحقق این امر اتخاذ نمایند. از سویی جریان سرمایه خارجی در جامعه‌ای امکان رشد و بازدهی دارد که بستر مناسب توسعه سیاسی و اقتصادی در آن جامعه فراهم باشد، همچنین تأثیر ماهیت نظام بین‌الملل و عوامل خارجی، بر روند این جریان را نمی‌توان نادیده گرفت.

ایران طی یک دهه تجربه بازسازی و توسعه در جذب سرمایه‌های خارجی به کشور از موفقیت‌چندانی برخوردار نبوده‌است و این امر نمایانگر عدم وجود بستر مناسب در این زمینه است. هدف اصلی این مقاله علت یابی نقاط ضعف این فرایند در ساختار اقتصادی و سیاسی کشور و ارائه راهکار جهت تسهیل جریان ورود سرمایه خارجی به کشور است. در این رابطه مکانیسم بررسی عملکرد مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی ساختار کنونی جامعه (به جهت شناسایی بستر داخلی این فرآیند) و تحلیل مناسبات خارجی ایران و تأثیر هر یک از عوامل بر روند جریان سرمایه‌گذاری خارجی بکار گرفته شده و بر اساس آن راهکارهایی پیشنهادی ارائه می‌گردد.

شناسایی پارامترهای سیاسی و اقتصادی توسعه جوامع و تأثیر آن بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی الف) پارامترهای حاکم بر روند توسعه جوامع

نظریه پردازان توسعه با دیدگاههای رویکردهای متفاوت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و ... به بحث درباره مفهوم توسعه پرداخته و مؤلفه‌ها و پارامترهای مختلف را برای طی مسیر توسعه یک جامعه معرفی کرده‌اند. در این ارتباط نظریه پردازان اقتصادی، رویکرد اقتصادی توسعه جوامع را از زوایای مختلف بررسی نموده و با توجه به تفکر غالب، عوامل و متغیرهای متفاوتی را همسان و گاه مغایر نام برده‌اند.

نظریه پردازان اقتصادی معتقد به الگوی خطی مراحل رشد، مؤلفه‌هایی نظیر؛ پس انداز، سرمایه‌گذاری و کمک خارجی را در فرایند توسعه مؤثر دانسته و معتقدند که کشورهای در حال توسعه از طریق موفقیت عملکرد این عوامل می‌توانند مسیر تاریخی رشد کشورهای توسعه یافته را طی نمایند. طرفداران مکتب ساختاری و وابستگی، تأثیر عوامل بین‌الملل، و نهادی و ساختاری را جهت توسعه جوامع مطرح می‌کنند و نظریه پردازان نئوکلاسیک نیز بر نقش مفید بازارهای آزاد، اقتصادهای باز و خصوصی سازی بنگاههای ناکارآمد تأکید دارند و شکست توسعه را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل دخالت بیش از حد دولتها می‌دانند. برخی از نظریه‌پردازان اقتصادی نیز رشد درونزا را مطرح نموده و تأثیر عوامل درونی و بین‌المللی را بر روند توسعه جوامع مهم می‌دانند.^۱

در بررسی رویکرد سیاسی توسعه، پارامترهای سیاسی به‌عنوان معیاری جهت بررسی روند توسعه جوامع بکار گرفته می‌شود. اندیشمندان سیاسی طی چندین دهه تحت تأثیر فضای حاکم بر روابط بین‌الملل، با توجه به حاکمیت ایدئولوژی بر روند توسعه و یارهیافتهای لیبرالیستی و تاریخی و تکاملی بر این روند، متغیرهای مختلفی مانند؛ درجه عالی وابستگی متقابل میان نهادهای سیاسی، انجام تغییرات ساختاری، تقویت ارزشها و سنتهای دموکراتیک، برقراری روابط سیاسی بر مبنای اعتماد متقابل، تحرک اجتماعی لازم برای قبول الگوهای رفتاری جدید، تخصصی شدن فزاینده نقشها و رابطه میان نخبگان نوگرا با جامعه در تعامل با دولت و غیره را، برای توسعه جوامع معرفی می‌نمایند. آنان همچنین به اهمیت مسائلی مانند رهبری، نهادسازی و ساختار سیاسی در روند توسعه جوامع معتقد هستند.^۲

با پذیرش وجود چنین فرضی که میان متغیر سرمایه‌گذاری خارجی و روند

۱. مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، (تهران، مؤسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸)، صص ۷۶-۷۰.

۲. سید علی قادری، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰)، صص ۱۴۹-۱۳۸.

توسعه تعامل، در واقع جذب سرمایه خارجی نوعی توسعه محسوب می‌گردد، پارامترهای فوق را در یک جامعه، می‌توان به‌عنوان عوامل سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار بر فرایند جذب سرمایه خارجی آن جامعه تلقی نمود و از طریق بررسی آنها، چالشهای این فرایند را شناسایی کرد.

ب) عوامل مؤثر بر روند توسعه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

۱. عوامل بیرونی

نظام بین‌الملل کنونی متشکل از بازیگرانی مانند دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی و حتی اشخاص حقوقی است که با تعامل با یکدیگر بر روند تحولات جهانی تأثیرگذار می‌باشند. بروز پدیده جهانی شدن و به موازات آن گسترش منطقه‌گرایی و وقوع تحولاتی مانند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، تشدید تنشها در خاورمیانه، رسمیت یافتن اتحادیه اروپا و شروع فرایند وحدت پولی و اقتصادی اروپا، تشکیل سازمان جهانی تجارت، بحران مالی آسیا و فروکش کردن رشد سریع اقتصادی در شرق و جنوب آسیا، رکود اقتصادی ژاپن، تداوم رشد اقتصادی سریع آمریکا، بهبود وضع اقتصادی اروپا و آمریکای لاتین، کاهش قیمت نفت، واقعه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق و بالاخره شکاف میان اروپا و آمریکا، و نیز تداوم روند برتری طلبی آمریکا، از اهم تحولات دو دهه اخیر است، که حیات دولت‌ها و از پی آن، روند توسعه آنها را تحت تأثیر قرار داده است.

در حوزه سیاست، پدیده جهانی شدن در قالب تحولاتی مانند تضعیف و تغییر ماهیت حاکمیت دول، افزایش توجه به مسائل جهانی، گسترش روز افزون سازمان‌های بین‌المللی، تضعیف نظام تک‌قطبی و پیشرفت فرهنگ دموکراتیک متجلی شده است. این پدیده در حوزه اقتصاد در چارچوب فعالیتهای فرامرزی بنگاهها و شرکتها، شامل سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تجارت، توسعه و همبستگی مراکز مالی دنیا، حرکت شفاف

سرمایه، افزایش مصرف‌گرایی و تسهیل جابجایی عوامل تولید و غیره تجلی می‌یابد. پدیده جهانی شدن قواعد بازی خود را خارج از اراده کشورها بر آنها اعمال می‌نماید. نظریه پردازان موافق با این پدیده برای آثار مثبت سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت خاصی قائل شده و معتقدند در نتیجه سیال شدن سرمایه و رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اکثر نقاط جهان، از مزایا اقتصادی برخوردار شده و با افزایش وابستگی اقتصادی کشورها، جهانی شدن نیز سرعت می‌گیرد. در این حالت مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کمرنگتر می‌شود و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا، خدمات و سرمایه... در آن سوی مرزها آسانتر شده و با افزایش تولید و مصرف، فرایند توسعه تحقق می‌یابد.^۱

منطقه‌گرایی در تعارض با جهانی شدن و به موازات آن نیز بر روند توسعه کشورها مؤثر است. این فرایند تسریع جریان سرمایه‌های خارجی، برای کشورهایی که از همکاری منطقه‌ای برخوردارند را به همراه خواهد داشت. ولی علیرغم موارد فوق دولت‌ها همچنان بازیگران عمده نظام بین‌الملل بوده و با رفتار خود نقش منحصر به فردی را در تحولات جهان؛ از جمله حرکت سرمایه‌ها شکل می‌دهند. آمریکا به‌عنوان قدرت برتر با فاصله قابل توجهی با سایر رقبای خود از بازیگران مهم جهان می‌باشد. اروپا گرچه به دلیل عدم هماهنگی با آمریکا در برخی از مسائل، از تواناییهای نقش آفرینی مستقل برخوردار نیست، ولی همچنان یک قدرت تعیین‌کننده محسوب می‌گردد. ژاپن و چین و روسیه هم از قدرتهای بزرگ منطقه آسیا و تأثیرگذار بر روند تحولات جهان هستند. افزایش نقش روسیه در بازار جهانی نفت، نمونه بارز این امر است.

از دیگر بازیگران عمده در صحنه بین‌الملل، می‌توان به سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای جهان اشاره نمود. نقش این سازمانها در هدایت جریان سرمایه در بازسازی اروپای بعد از جنگ کاملاً مشهود است. گرچه در حال حاضر این نهادها از توان

۱. محمد مهدی بهکیش، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰)، صص ۲۴-۳۳.

تأثیرگذاری دهه پنجاه برخوردار نیستند، اما برخی از آنها همچون صندوق بین‌المللی پولی و بانک جهانی و ... از طریق ارائه الگوهای توسعه به کشورها، جریان سرمایه‌های خارجی را هدایت می‌کنند. سازمان جهانی تجارت و اتحادیه‌های مختلف منطقه‌ای نیز از طریق تأثیرگذاری بر تجارت کالا و خدمات این روند را هدایت می‌نمایند.

شرکتهای چند ملیتی، بویژه از دهه ۷۰ میلادی به بعد از مهمترین نهادهای تأثیرگذار بر جریان مالی جهان می‌باشند. نقش این شرکتها در تولید، صادرات، سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی به نحوی افزایش یافته که هیچ کشوری در جهان نمی‌تواند نقش آنها را نادیده انگارد. افزایش نقش این شرکتها به‌عنوان نهادهای حامل سرمایه، در اقتصاد جهان موجب نفوذ آنها در فرآیند توسعه کشورها شده است. بنابراین پذیرش استاندارد رفتار با این نوع شرکتها که خواهان رفتار منصفانه و مشابه با شرکتهای داخلی کشور میزبان هستند، در جذب همکاری آنان بسیار مؤثر است.

امروزه اندازه‌گیری خطرپذیری کشورها توسط مؤسسات تحقیقات جهانی هم به‌عنوان یک شاخص مهم در ارائه وامها و صدور سرمایه به کشورها مورد توجه است. اکثر شرکتهای بزرگ تجاری، نفتی، بیمه و یا نهادهای مالی سرمایه‌گذار، بر اساس رتبه بندیهای مؤسسات تحقیقاتی خطرپذیری هدف خود را تعیین می‌نمایند.

مؤسسات تحقیقات تعیین خطرپذیری، بر حسب تخصص خود از شاخصهای گوناگون برای بررسی خطرپذیری و رتبه‌بندی کشورها استفاده می‌کنند. ناکارآمدی ساختار اقتصاد، غیررقابتی بودن بازارها، ناتوانی در پرداخت بدهیها، منابع و ذخایر و تعهدات مالی کشور، سیاستهای تجاری، فشار مالی و مالیاتی دولت، میزان مداخله دولت در اقتصاد، سیاست پولی، سرمایه‌گذاری خارجی، بانکداری و امور مالی، دستمزدها و قیمتها، حقوق مالکیت خصوصی، مقررات‌گرایی و وجود بازار سیاه، از اهم شاخصهای مورد بررسی مخاطرات اقتصادی این گونه مؤسسات است.

عواملی مانند توازن قوای سه‌گانه، ثبات دولت، قدرت قانونگذاری، کیفیت بوروکراسی، برخوردها و مناقشات داخلی نظیر جنگ، تروریسم، شورشهای داخلی و

مناقشات سیاسی و برخوردهای خارجی مانند تحریمهای بین‌المللی، فشارهای دیپلماتیک، قطع کمکهای خارجی و مناقشات نظامی نیز، از اهم شاخصهای تعیین‌کننده خطرات سیاسی یک کشور توسط مؤسسات مزبور است.^۱

در کنار قدرتهای بزرگ و نهادهای رسمی فراملی که چارچوب سیاستهای اقتصادی بین‌الملل را تنظیم می‌نمایند، برخی نهادهای غیر رسمی هم در نظام بین‌الملل وجود دارد که بتدریج در حال قدرت یابی و تأثیر گذاری بر روند تحولات جهانی هستند. از این نهادها به‌عنوان بازیگران غیررسمی جامعه بین‌الملل نام برده می‌شود. این بازیگران، یا به صورت سازمانهای غیردولتی مانند سازمان حمایت حقوق بشر، سازمان حفاظت محیط زیست، سندیکاها و اتحادیه‌های گوناگون هستند، که دارای هویت پذیرفته شده می‌باشند و یا به صورت پدیده ضد نظام بین‌الملل نظیر گروههای مختلف تروریستی سیاسی و اقتصادی ظاهر می‌گردند، که در قالب گروههای فشار بر سیاستهای اقتصادی جهان تأثیر می‌گذارند.

نظام بین‌الملل با چنین ماهیتی تعیین‌کننده قواعد سیاسی و اقتصادی حاکم بر جهان است، بنابراین تعامل کشورها در جامعه بین‌الملل باید مبتنی بر شناخت این قواعد بازی بین‌المللی باشد. در واقع چگونگی این تعامل، یکی از عوامل تعیین‌کننده روند توسعه کشورهاست.

۲. عوامل درونی

دستیابی به توسعه در یک جامعه هنگامی میسر است که آن جامعه، در حوزه داخل و عرصه بین‌الملل، بطور هماهنگ پیشرفت نماید. به عبارت دیگر؛ تأثیر عوامل بیرونی با توجه به عملکرد هماهنگ عوامل درونی است که در مسیر تکاملی یک جامعه به سوی توسعه معنا می‌یابد.

به موازات نگرش بر اهمیت نقش جامعه بین‌الملل بر روند توسعه و جذب

۱. گزارشات بررسی ریسک کشوری، «وزارت بازرگانی، صندوق ضمانت توسعه صادرات ایران»، سال ۱۳۸۱.

سرمایه خارجی، این بخش از مقاله، تأثیر عملکرد عوامل اقتصادی و سیاسی یک کشور را در قالب عوامل درونی مؤثر بر این فرایند مورد توجه قرار داده است.

الف) عوامل اقتصادی

هنگامی که نظریه پردازان رشد و توسعه از رشد درونزا، سازماندهی و بازدهی اقتصاد داخلی در روند توسعه کشورها بحث می نمایند، آنها معتقد به همبستگی شاخصهای کلان اقتصادی یک کشور و روند توسعه هستند. بنابراین اعتقاد، در صورت عملکرد صحیح سیاستهای اقتصادی، فضای مناسب جهت فرایند توسعه یک جامعه فراهم می شود و عملکرد نامناسب این سیاستها می تواند منجر به ایجاد مانع و چالش در روند توسعه کشور و فضای نامناسب جهت فعالیت سرمایه های خارجی به عنوان یکی از ابزارهای توسعه گردد. به علاوه فرایند توسعه یک جامعه بستگی زیاد به وجود فضای رقابتی در آن جامعه دارد.

در چنین شرایطی دولتها از طریق اجرای اهم سیاستهای اقتصادی مؤثر در زمینه سیاستهای پولی، مالی، ارزی، بانکی و بازرگانی می توانند بستری مناسب برای رقابت پذیری بین المللی و باز شدن بازارها فراهم نمایند.^۱

سیاست پولی به عنوان یک سیاست اقتصادی از طریق عرضه پول، سطح و ساختار نرخ بهره، بر نرخ تورم تأثیر گذار است و نوسانات این متغیر یکی از موانع عمده برنامه های توسعه و از عناصر مهم تعیین مخاطرات سرمایه گذاری در میان نهادهای مالی جهان است.

سیاست مالی به عنوان بخشی از سیاستهای دولت در رابطه با وضعیت بودجه و درآمدهای مالیاتی مطرح است. دولت از طریق سیاست مالی و میزان درآمدهای مالیاتی، یارانه ها و هزینه های عمومی، وضعیت بودجه ای یک کشور را تعیین می نماید. در صورت وجود کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض، تورم ایجاد

شده عامل چالش سازی در روند توسعه و جذب سرمایه خارجی می‌گردد. سیاستهای ارزی، نمایانگر وضعیت ارزی هر کشور است. نوسانات متعدد نرخ ارز موجب ایجاد فضای ناامن اقتصادی، رانت خواری و کاهش سطح کارایی و بهره‌وری تولید و غیره... می‌گردد که تبعات آن بر فرایند توسعه، بارز است.

دولتها از طریق سیاستهای بازرگانی، قوانینی را به منظور اداره یا تنظیم تجارت و پرداختهای خارجی خود اتخاذ می‌کنند، که این امر بر جریان ورود و خروج کالاها و خدمات تأثیرگذار است و بعلاوه، سیاستگذارهای دولت در زمینه همکاریهای منطقه‌ای یا بین‌المللی یک کشور، بر جریان تجارت کالا و سرمایه نیز مؤثر است و یکی از اهداف عضویت کشورها در سازمان جهانی تجارت، جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌گردد. کشورها با پذیرش قوانین و مقررات تجاری این سازمان و اجرای موافقتنامه‌های آن اطمینان سرمایه‌گذاران را به بازگشت سرمایه و سود مورد انتظار افزایش می‌دهند.

سیاست خصوصی‌سازی، تلاشی جهت پررنگ کردن نقش بازار در مقابل تصمیمات دولت به‌عنوان کارگزار اقتصادی است. خصوصی‌سازی علاوه بر کاهش نقش دولت در فعالیتهای اقتصادی، موجب ایجاد رقابت پذیری، افزایش مشارکت مردم، افزایش سطح کارایی مؤسسات اقتصادی دولتی و تخصیص بهینه منابع کشور می‌شود و دولت از طریق این فعالیت می‌تواند، بستر مناسب رقابت تمامی کارگزاران اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم نماید.

چگونگی عملکرد سیاستهای اقتصادی دولتها گرچه از عوامل مؤثر بر روند توسعه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است، ولی وجود ساختار و زیرساختهای اقتصادی یک کشور؛ مانند ثبات تراز تجاری، گستردگی بازار، بدهی خارجی، ساختار تأمین مالی، تأسیسات زیربنایی، نیروی کار ماهر و توسعه منابع انسانی و وجود شبکه‌های اطلاع‌رسانی گسترده نیز در گرایش سرمایه‌گذاری خارجی به یک کشور اثربخش است.

بعلاوه دولتها می‌توانند از طریق عوامل تشویقی و حمایتی مانند اعطای امتیازات و معافیتها، پوششهای بیمه‌ای، معافیت‌های گمرکی، توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، اعطای تسهیلات زیربنایی و غیره محدودیتهای جذب سرمایه خارجی را در یک کشور کاهش دهند.^۱

علاوه بر سیاستهای مذکور - که در قالب فعالیتهای دولت قابل بحث می‌باشد - وجود برخی فعالیتهای اقتصادی غیررسمی در کشورها؛ نظیر گسترش فعالیت نهادهای غیرمتشکل و بعضاً زیرزمینی، پدیده رانت خواری، فساد اداری و اقتصادی و قاچاق کالا می‌تواند از عوامل مؤثر در افزایش ریسک سرمایه‌گذاری باشد.

ب) عوامل سیاسی

اقتصاد و سیاست دو حوزه به هم پیوسته اند و توسعه هیچ یک به تنهایی امکان پذیر نیست و با توجه به اینکه در جوامع برخوردار از تمرکز قدرت سیاسی، بازیگران اصلی صحنه سیاست می‌توانند بازیگران عرصه اقتصاد نیز باشند؛ شناسایی چالشهای توسعه اقتصادی یک جامعه بدون نگرش به بحث توسعه سیاسی و پارامترهای آن کامل نخواهد بود.

نظریه پردازان توسعه سیاسی در بررسی روند توسعه یک جامعه به پارامترهای گوناگون توجه دارند، علیرغم تحول مفهوم توسعه سیاسی طی دهه‌های مختلف و متفاوت بودن شاخصها و متغیرهای این فرآیند، نظریه پردازان این شاخه در خصوص مؤلفه‌های یک جامعه سیاسی توسعه یافته مانند امنیت، آزادی، جامعه مدنی، مشارکت سیاسی، احزاب سیاسی، تکثرگرایی، مشروعیت، قانون‌گرایی، ساختار دولت، نخبگان فکری، نهادسازی و رعایت حقوق بشر یک اجماع نظری دارند. به علاوه ساختار قدرت سیاسی و چگونگی اعمال حاکمیت دولت نیز، یکی از شاخصهای متمایزکننده یک جامعه مدرن است. در جوامع دموکراتیک، محدودیت ساختار اقتدار

سیاسی دولت و مشارکت واقعی مردم در فرآیند توسعه بارز است. در چنین جامعه‌ای، آزادی‌گروهها و طبقات اجتماعی به ساختارهای مختلف اجتماعی و در نتیجه به رشد و تکامل جامعه مدنی و توسعه سیاسی منجر می‌شود. بالعکس در جامعه سنتی قدرت متمرکز بر کلیه حوزه‌های فردی غالب است و اشخاص در برابر قدرت برتر مطیع و صاحبان قدرت به نحوی مقدس هستند. این طرز تفکر مانع مشارکت افراد در تشکیل احزاب شده و فقدان گروهها و سازمانهای اجتماعی و سیاسی و در نتیجه، کندی روند توسعه سیاسی را در جامعه به دنبال دارد.

ثبات و امنیت و ارتباط آن با تعاملات اقتصادی، از سنتی ترین مباحث اقتصاد سیاسی است. شرط لازم برای ایجاد امنیت در یک جامعه، احساس نزدیکی میان ملت و دولت از طریق فعال نمودن بدنه اجتماعی ملت در سیاستگذاریها و تولید ارزشهای کلان ملیست.^۱ در غیر این صورت در جامعه، بحران یکپارچگی ایجاد شده و مجموع تواناییها و منابع ملی آن به هدر می‌رود و در چنین شرایطی آن جامعه از تعاملات سالم اقتصادی و سیاسی برخوردار نخواهد بود. متغیر امنیت در قالب ثبات سیاسی و یا ثبات اقتصادی در روابط اقتصادی جهان دارای اهمیت خاص بوده و ریسکها نیز در محاسبات، شاخص مهمی محسوب می‌گردند.

ثبات یک نظام دموکراتیک به مشروعیت آن نیز بستگی دارد. مشروعیت به معنای ظرفیت نظام سیاسی جامعه برای ایجاد و حفظ این اعتقاد است که نهادهای موجود از صحت عمل برخوردار باشند و به منظور رفع نیازهای جامعه تأسیس گردند. مشروعیت یک نظام سیاسی، بیشتر به موفقیت آن نظام در حل و فصل اختلافات درونی سیستم و از میان بردن تفرقه در جامعه بستگی دارد.

لوسین پای^۲ دستیابی به توسعه یک جامعه را منوط به عبور موفقیت آمیز آن از یک سلسله بحرانها؛ مانند بحران مشروعیت می‌داند. وی این بحران را در قالب بروز

۱. سید حسن ولی پور، «درآمدی بر بنیادهای اجتماعی امنیت»، راهبرد، شماره ۲۶، (زمستان ۱۳۸۱): ص ۱۴۴.

۲. سید علی قادری، پیشین، ص ۱۴۸.

اختلاف بین رهبری و منبع اقتدار تعریف می‌نماید و معتقد است در صورت عدم کنترل بحران مشروعیت در یک جامعه، ثبات سیاسی آن جامعه در خطر می‌افتد و چنین خطری یکی از مصادیق عدم امنیت تلقی می‌گردد.

استقرار جامعه مدنی یکی دیگر از ویژگی‌های یک جامعه سیاسی توسعه یافته است. چنین جامعه‌ای متشکل از نهادهای مستقل تحت حمایت قانون است که در آن افراد و اجتماعات از ارزشها و اعتقادات متنوعی برخوردار بوده و گروه‌های خودگردان که در آن همزیستی مسانمت آمیز دارند، بصورت نهادهای واسطه و داوطلبانه میان دولت و افراد عمل می‌کنند.^۱ نیل به چنین جامعه‌ای مستلزم دستیابی به ابزارهایی مانند احزاب و تشکلهای سیاسی، انجمن‌های علمی و ادبی و هنری و دینی، تشکلهای صنفی و حرفه‌ای، اتحادیه‌ها و سندیکاها، شوراها و نهادهای اجتماعی است که در قالب نهاد سیاسی و برخی از آنها نیز قالب نهادهای غیرسیاسی عمل می‌کنند. از دیگر ملزومات یک جامعه توسعه یافته سیاسی، افزایش مشارکت سیاست است. هانتینگتون^۲ نظریه پرداز توسعه سیاسی معتقد است در افزایش توسعه یک جامعه، تقاضاهای جدید به صورت مشارکت و ایفای نقشهای جدیدتر ظهور می‌کند. بنابراین، نظام سیاسی بایستی از ظرفیت و توانایی لازم برای تغییر شرایط موجود توسط مشارکت دادن هر چه بیشتر مردم برخوردار باشد. لوسین پای از بحران مشارکت در فرآیند عبور جامعه از مرحله سنتی به مدرن سخن می‌گوید. وی معتقد است که در بحران مشارکت؛ جامعه با یک سری تعارضات همراه است که در این روند گروه نخبگان حاکم، تقاضاها و رفتار افراد و گروه‌هایی را که در صدد شرکت در نظام سیاسی هستند را غیرقانونی و غیرمشروع تصویر می‌کنند.^۳

وجود احزاب سیاسی یکی از مصادیق بارز مشارکت سیاسی در یک جامعه توسعه یافته است. این احزاب به شکل سازمانهای سیاسی توسط مکانیزم‌های خود در

۱. علیرضا فرامرزیان. «مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی». تهران: سازمان مدارک فرهنگ

۲. سید علی قادری. پیشین، ص ۱۳۸.

انقلاب اسلامی. ۱۳۷۶، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۱۵۰.

دستگاه قدرت و حکومت نفوذ کرده و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی ایفای نقش می‌کنند. فعالیت این نهادها در یک جامعه در صورت وجود کثرت‌گرایی سیاسی و رقابت سیاسی میسر است. بعلاوه قانون باید فعالیت نهادهای مزبور را پوشش دهد. امروزه بسیاری از موانع توسعه یک جامعه در حال توسعه در نارسائیهای قانون و عدم اجرای صحیح آن و یا تعبیرهای خودسرانه از قانون مربوط می‌شود. این نارسائیها تبعاتی مانند جایگزینی روابط به جای ضوابط، گرایش به سوی خاص‌گرایی و نابرابری افراد در مقابل قانون دارد.

در راستای رعایت اصل قانون‌گرایی به‌عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر روند توسعه، رعایت حقوق بشر به‌عنوان حقوق اولیه و تغییرناپذیر انسانها در یک جامعه سیاسی توسعه یافته از اهمیت خاص برخوردار است و در نظام جهانی از آن به‌عنوان یک اصل مهم نام برده می‌شود، امروزه بسیاری از سیستم‌های سیاسی جهان با توسل به مسئله حقوق بشر روابط خود را با دیگر کشورهای جهان تعیین می‌نمایند.

بهره‌گیری از نخبگان فکری نوگرا در کلیه بخشهای مختلف جامعه نیز از ویژگیهای یک جامعه توسعه یافته است. این نخبگان با روشهای بهینه و ثنوریه‌ها و آینده‌نگری خود در جهت دهی فرآیند توسعه یک جامعه تأثیر چشمگیری دارند. از ضرورت‌های اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی یک جامعه، توجه به فرآیند نهادسازی است. این فرآیند، در شکل‌گیری گروه‌های همسو، قوی و رقابت‌نهادی شده تجلی می‌یابد، در این حالت شبکه‌های ارتباطی بتدریج توسعه می‌یابند و نهادسازی برای تصمیم‌گیری مشارکتی مورد توجه قرار می‌گیرد، و اگر مکانیسم نهادی برای اجرای یک سیاست نامناسب، غیرکارا و یا فاسد باشد، آن سیاست به درستی اجرا نمی‌شود.

ج) بررسی عملکرد مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی ایران

چنانچه در چارچوب مباحث مذکور، مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی روند

توسعه ایران در رابطه با جذب سرمایه خارجی بررسی گردد، چالشهای عمده‌ای در این روند، بویژه طی دو دهه اخیر به چشم می‌خورد که مهمترین عوامل ایجادکننده مانع جذب این فرآیند محسوب می‌گردند.

ایران تا قبل از انقلاب، به دلیل برخورداری از یک ثبات نسبی، در نظام بین‌المللی از جایگاه مناسبی برخوردار بود. در آن دوران، پنج برنامه توسعه اقتصادی تدوین شد و جذب سرمایه خارجی در رأس اهداف این برنامه‌ها قرار داشت. وقوع انقلاب و بروز جنگ ایران و عراق، اهداف برنامه‌های توسعه ایران و استقرار یک نظام توسعه یافته را تحت تأثیر قرار داد و به موازات آن ورود سرمایه خارجی به کشور، صفر و حتی در مواردی منفی شد. پس از انقلاب و طی دوران جنگ، تعامل ایران با جهان خارج، بسیار محافظه کارانه و در حد رفع نیازهای اقتصادی و نظامی گردید و با بروز تعارض شدید بین ایران و آمریکا، کشور به طور کلی در شرایط انزوا قرار گرفت. بعد از پایان جنگ به دلیل ضرورت بازسازی و نوسازی اقتصاد کشور، اجرای برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شد و جذب سرمایه‌های خارجی نیز مورد توجه برنامه ریزان اقتصادی قرار گرفت. طی این دوران، تعامل ایران در رابطه با جهان خارج در تداوم سیاستهای گذشته بود و همین عامل و برخی نارسائیه‌ها در رعایت قواعد بازی جهانی موجب شد که ایران در اجرای برنامه‌های توسعه خود به نتایج مطلوب دست نیابد. در این دوران نظام بین‌المللی تغییرات شگرفی نمود. جنگ سرد و دو قطبی شدن جهان از بین رفته و تعاملات خارجی کشورها به شدت تحت تأثیر تحولات به وقوع پیوسته؛ بویژه پدیده جهانی شدن و قواعد جدید بازی قرار گرفت. بر اساس نظم نوین جهانی، بازیگران جدید ظهور کرده و قدرت برخی بازیگران بزرگ کاهش می‌یابد.

علیرغم بروز چنین تحولاتی، برنامه‌ریزی توسعه ایران همواره مستقل از سیاست خارجی هدایت می‌گردد و در سیاست خارجی نیز بحث عمده مبتنی بر امنیت داخلی کشور است. از اواخر دهه ۱۳۷۰ با تغییر دولت و ارتقای اهمیت توسعه

سیاسی به موازات توسعه اقتصادی، در نگرش مسئولین نسبت به نظام بین‌الملل تغییری ایجاد شد و اصلاح و گسترش روابط خارجی ایران در رأس اهداف سیاست خارجی قرار گرفت؛ گرچه بررسی جایگاه کنونی کشور در نظام بین‌الملل همچنان نمایانگر وجود چالشهای جدی است که این امر نیز بر روند توسعه و جذب سرمایه خارجی تأثیر بسزایی دارد.

در حال حاضر، ایران در رابطه با پدیده جهانی شدن و مقابله با ابزار و مکانیسم های این پدیده دچار مشکل است، اما با سازمانهای بین‌المللی، از یک ارتباط مناسب برخوردار می‌باشد. ایران از اعضای اولیه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و بسیاری دیگر از نهادهای مالی جهان بوده و جهت بهره‌مندی از مزایا و تسهیلات این نهادها قواعد بازی آنها را رعایت می‌کند. طی دهه اخیر استفاده از الگوی اصلاحات اقتصادی صندوق بین‌المللی پول و اجرای طرح یکسان سازی نرخ ارز و انجام اصلاحات در قانون تجارت در راستای هماهنگ سازی قوانین و مقررات تجاری کشور، با قواعد سازمان جهانی تجارت - به‌عنوان یک نهاد تجاری بین‌المللی - از موارد قابل ذکر در این زمینه است.

مشخص نبودن استاندارد رفتار ایران با شرکتهای چندملیتی نیز از دیگر مسائل چالشزای کشور در تعاملات بین‌المللی است. این ابهام موجب نوعی عدم اطمینان در خصوص احتمال بکارگیری دستورالعملهای فراقانونی برای این شرکتهای شده‌است. به این دلیل علیرغم پیش بینی مشارکت خارجیها در برنامه‌های توسعه ایران، تعداد نمایندگیهای فعال این شرکتهای در ساختار اقتصاد کشور از شانزده نمایندگی فراتر نمی‌رود.^۱ (البته در بخش نفت و گاز کشور استاندارد رفتار با این شرکتهای جهت جذب سرمایه‌های خارجی پذیرفته شده‌است).

امروزه در تعاملات اقتصادی جهان پدیده‌ای به نام پولشویی مطرح است که رعایت آن برای کشورهایی با فعالیت اقتصادی مشکوک الزامی به نظر می‌رسد.

1. UNCTAD, *World Investment Report*, 2003.

بسیاری از فعالیتهای اقتصادی ایران به دلیل شرایط خاص، خارج از نظارت دولت قرار دارد. بنابراین اقتصاد ایران با توجه به این امر و به دلیل موقعیت جغرافیایی کشور - که در مسیر کاروانهای مواد مخدر از افغانستان به اروپا قرار دارد - متهم به پولشویی شده و در طبقه بندی کشورهای درگیر سازمان جهانی مبارزه با پولشویی، قرار گرفته است. این مسئله، چالشی جدی در تعاملات بین‌المللی کشور ایجاد نموده و موجب تشدید کاهش امنیت اقتصادی و فضای ناامن فعالیت سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شده است.

چگونگی روابط ایران با دولتهای بزرگ جهان از جمله دول اروپایی، آمریکا و ژاپن نیز در روند توسعه کشور و جذب سرمایه خارجی تأثیرگذار است. طی دو دهه اخیر، ایران همواره از روابط مثبت و قابل توجهی با اتحادیه اروپا برخوردار بوده است. در حالیکه روابطش با آمریکا، در تعارض شدید قرار داشته است. این امر با توجه به ماهیت برتری طلبی آمریکا و اعمال آن از طریق مکانیسم‌ها و ابزارهای مختلف نظیر تحریمهای اقتصادی؛ فعالیتهای سرمایه‌گذاری ایران را طی این دو دهه تحت الشعاع قرار داده است.

گرچه ایران عضویت بسیاری از نهادها و سازمانهای بین‌المللی را پذیرفته و سعی در رعایت قواعد رفتاری آنان دارد؛ ولی سازمان حقوق بشر به‌عنوان یکی از سازمانهای غیردولتی، با محکومیت ایران به عدم رعایت حقوق بشر در قالب یک بازیگر غیررسمی توانسته است بر روند توسعه ایران تأثیرگذار باشد. همچنین گروههای فشار اقتصادی؛ بویژه در میان سیاستمداران اقتصادی آمریکا و اسرائیل از جمله بازیگران غیررسمی هستند که با جهت دهی به تصمیمات اقتصادی، بر جریان سرمایه خارجی به ایران تأثیر قابل توجهی دارند.

علاوه بر چگونگی جایگاه ایران در نظام بین‌المللی، عملکرد سیاستهای داخلی اقتصاد نیز یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در ایجاد فضای مناسب جذب سرمایه‌های خارجی به کشور است و بسیاری از موانع این فرآیند از آثار اجرای این نوع سیاستها

ناشی می‌شود.

تورم به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم اقتصادی، با تأثیر بر رقابت پذیری جامعه، بر روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی نقش بسزایی دارد. شروع جنگ، اعمال تحریم‌های اقتصادی و اجرای سیاست‌های آزادسازی در ایران، از عوامل عمده افزایش نرخ تورم؛ بویژه از آغاز برنامه دوم توسعه بوده‌است. تداوم این روند افزایشی طی سالهای بعد، موجب شد تورم به صورت یک عامل مهم کاهش رقابت پذیری و یک مانع عمده فرآیند جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشور در آید.

کسری بودجه ناشی از سیاست‌های مالی دولت؛ حجم عظیم یارانه‌ها و سیستم مالیاتی نامناسب و تأمین مالی آن از طریق استقراض از بانک مرکزی، موجب افزایش حجم نقدینگی و تشدید تورم طی دو دهه اخیر گردید. این امر با کاهش رقابت پذیری در بخش‌های اقتصادی، بستر فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در کشور را نامساعد ساخت.

ارز، یکی از مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر ساختار اقتصادی کشور است. حاکمیت سیستم چند نرخ ارز بر اقتصاد کشور طی دو دهه، پدیده‌هایی مانند رانت جویی، ابطال منابع ارزی، وابستگی بخش‌های اقتصادی کشور به ارز و ایجاد فضای ناامن اقتصادی برای جذب سرمایه‌های خارجی را به همراه آورد. گرچه دولت با اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز از سال ۱۳۸۲، درصد ایجاد ثبات اقتصادی در جامعه گردید، ولی آثار زیانبار ناشی از سیستم‌های ارزی قبلی همچنان بر اقتصاد کشور حاکم است.

سالها انحصار دولت بر بخش بازرگانی خارجی کشور، آثار نامطلوبی مانند انواع معافیتها، سهمیه‌ها، مجوزها، محدودیتها و عوارض گوناگون و موانع غیر تعرفه‌ای در سیستم بازرگانی خارجی به جا گذارد و انطباق سیاست‌های تجاری کشور را با نظام تجارت جهانی با موانع عدیده‌ای مواجه ساخت. در این راستا، یکی از اقدامات اصلاحی دولت در بخش بازرگانی خارجی، علاوه بر اصلاح قانون تجارت، توسعه

مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی با عنوان محلی خارج از قوانین عمومی کشور بود. هدف از این اقدام ایجاد نظامهای انگیزشی متفاوت شامل معافیت مالیاتی، تشویق فعالیتهای تجاری و صنعتی، معافیت از عوارض گمرکی و سود بازرگانی، امکان ترانزیت و صدور مجدد کالا، آزادی کامل ورود و خروج سرمایه، امور بانکی، پولی و ارزی و غیره، برای تسهیل سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی است. دولت، حتی با انجام سرمایه گذاریهای زیربنایی در صدد فراهم نمودن زمینه مناسب فعالیت سرمایه گذاران در این مناطق برآمد. ولی به دلیل ناکارآمدی سیاستهای اعمال شده، مناطق مذکور از اهداف اولیه منحرف شده و اغلب بصورت مکانی مناسب برای افزایش واردات کالا و تولیدات خارجی درآمد.

سیاستهای بانکی یک کشور، از سیاستهای فاعلی و کلیدی در روند توسعه و جذب سرمایه خارجی است. در ایران، بانکها به دلیل حاکمیت دولت بر فعالیت آنها، الزام آنها به تبعیت از اصول اسلامی و حذف نرخ بهره و جایگزینی نرخ سود در فعالیتهای بانکداری و نیز جهت دهی اعتبارات بخشهای اقتصادی کشور، به صورت یکی از موانع عمده بر سر راه توسعه و جذب سرمایه خارجی عمل نموده است. گرچه در برنامه سوم توسعه، آزادسازی نظام بانکداری پیش بینی شده و مجوزهایی هم جهت فعالیت بخش خصوصی ارائه شده است، ولی نظام بانکداری در ایران همچنان با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد.

یکی از مهمترین موانع رشد و جذب سرمایه خارجی کشور، ظهور نهادهای غیرمتشکل و غیررسمی در ساختار اقتصادی کشور - به دلیل دو دهه اجرای سیاستهای اقتصادی دولت است - این نهادها به اشکال مختلف از بودجه های دولتی و شبه دولتی برخوردار بوده و خود را مقید به پرداخت مالیات یا مقررات مالی کشور نمی دانند. این امر ساختار مالی کشور را تحت تأثیر قرار داده و یک نوع بی انضباطی مالی را موجب شده است. در کنار فعالیت این نوع نهادها می توان به وجود احتمالی پدیده هایی مانند حاشیه درآمد بخش نفت، تجارت اسلحه، قاچاق مواد مخدر و انواع

کالاها و وجود تولیدکنندگان انحصاری اشاره نمود که در قالب اقتصاد زیرزمینی بر ساختار اقتصادی کشور تأثیرگذار هستند.

تأثیر ظهور پدیده رانت جویی ناشی از عملکرد اقتصاد دولتی را نیز باید در محدود نمودن فضای رقابتی اقتصاد کشور مورد توجه قرار داد. انحصارات دولتی و حضور فراگیر دولت در فعالیتهای اقتصاد و وابستگی به درآمد نفت از یک سو، و عدم انعقاد یافتگی ترتیبات نهادی و ماهیت قوانین کشور از سوی دیگر، زمینه‌ای را ایجاد کرده که در آن روحیه رانتی و رفتارهای رانت طلبانه در ایران به صورت یک هنجار درآمدی و بیشتر قوانین، آئین نامه‌ها و سیاستگذاریها را تحت تأثیر قرار داده است. ایجاد فساد اداری و اقتصادی، کاهش امنیت اقتصادی و متعاقب آن کاهش سرمایه‌گذاری خارجی از مهمترین هزینه‌های رانت جویی است.

بنابراین، سیستم تعرفه‌ای ایران، انحصارات، حجم عظیم یارانه‌های غیرشفاف، مقررات پیچیده دولتی، ساختار ناشفاف بودجه دولت، سیستم قیمت گذاری دولتی، انواع سهمیه‌ها و مجوزها نیز فساد موجود را تشدید نموده و ناکارآمدی حاصل از این پدیده‌ها، موجب افزایش هزینه‌های گردش سیستم مالی و اقتصادی کشور و ناهمواری بستر جریان سرمایه خارجی در کشور شده است.

البته مخاطره اقتصادی کشور در نتیجه بهبود روند شاخصهای کلان اقتصادی ناشی از افزایش ذخایر ارزی طی سالهای اخیر تا حدودی کاهش یافت، ولی چون مشکلات ساختاری اقتصاد همچنان باقی مانده است، کاهش ریسک مزبور اثر قابل توجهی در افزایش سرمایه‌های خارجی نشان نداده است.

در سال ۱۳۸۱، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی با هدف رفع نارسائیهای قانون قبلی و ایجاد شرایط مناسب فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی، به تصویب رسید. قانون مزبور برای بهره‌مندی صاحبان سرمایه خارجی از حقوق و حمایت‌های یکسان با سرمایه‌گذار داخلی، مکانیزم مطلوبی پیش بینی نموده و در مورد نحوه مشارکت، چگونگی فعالیت در رشته‌های مجاز بخش خصوصی، سلب

مالکیت، پرداخت غرامت، انتقالات ارزی و خروج سود و سرمایه تمهیدات لازم را در نظر گرفته است. ولی این قانون هم به دلیل محدودیتهایی، بویژه در زمینه کنترل دولت در پرداختها، نتوانست خطر سرمایه‌گذاری خارجی ایران را بهبود بخشد.

توجه به عملکرد مؤلفه‌های سیاسی یک کشور به دلیل بالا بودن نقش مخاطره سیاسی در روند جذب سرمایه خارجی و بسترسازی این فرایند از اهمیت خاص برخوردار است.

قانون اساسی ایران به‌عنوان زیربنای ساختار سیاسی و اقتصادی کشور دارای ابزار مناسب یک جامعه توسعه یافته است. در این قانون سازوکارهای تشکیل یک جامعه مدنی و ابزارهای غیر دولتی آن مانند احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، شوراها، نشریات و ابزارهای تحدیدکننده قدرت سیاسی دولت؛ مانند مجلس، دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری و... پیش بینی شده‌است، که با اجرای صحیح آن، دستیابی به یک جامعه سیاسی توسعه یافته میسر است. ولی عملکرد مؤلفه‌های سیاسی ایران شامل استقرار «جامعه مدنی» به معنای حوزه‌ای متشکل از نهادهای مستقل و تحت حمایت قانون با ارزشها و اعتقادات متنوع، «قانون‌گرایی» از طریق حاکمیت ضوابط، «مشارکت سیاسی» با هدف افزایش نقش مردم در مدیریت نظام سیاسی جامعه، «تکثرگرایی» به معنای پذیرش تنوع و تکثر در میدان رقابت سیاسی، مشروعیت به مفهوم انطباق سیستم ارزشی کل گروههای یک جامعه با نظام ارزشی حاکم، «احترام به حقوق اولیه و تغییر ناپذیر انسانها» در قالب حقوق بشر، «اصلاحات سیاسی» یا نوسازی و دگرگون سازی در نهادها و دستگاههای اجتماعی، «احزاب سیاسی» در راستای نهادینه شدن مشارکت سیاسی گروههای مختلف، وجود «امنیت داخلی» جهت مقابله با بحران یکپارچگی و «پذیرش نقش نخبگان نوگرا» به منظور ایجاد نگرش تازه و تغییرات ساختاری و بالاخره «نهادسازی» در رابطه با امکان جذب تغییرات مستمر در جامعه، نشان از وجود نارسائیهای استقرار یک جامعه توسعه یافته در ایران دارد.

مؤسسات تحقیقات مخاطره سیاسی جهان که با استناد به مؤلفه‌هایی نظیر موارد مذکور، مخاطره کشورها را اندازه‌گیری می‌کنند، رتبه مخاطره سیاسی ایران را به دلیل ناکارایی عملکرد مؤلفه‌های مزبور بسیار بالا برآورد نموده‌اند. آنها در این رابطه به دلایلی مانند تنوع نیافتگی ساختاری، قانون‌گریزی، عبور ناموفق و ناقص جامعه از مرحله دولت - ملت سازی، دولت محوری و بوروکراتیزه شدن سیاست و سیاست زدگی بوروکراسی در ایران اشاره می‌کنند.^۱

استناد بسیاری از نهادهای مالی بین‌المللی به نظرات مؤسسات تحقیقات مخاطره و رتبه‌بندی آنها در خصوص مخاطره سیاسی ایران، تأثیر قابل توجهی در روند سرمایه‌گذاری خارجی کشور داشته است.

طی سالهای اخیر، بحث اصلاحات سیاسی با هدف اجرای صحیح قانون اساسی و استقرار نهادها و ارزشهای دموکراتیک در جامعه، اقتصاد و سیاست در رأس برنامه‌های دولت قرار گرفت، ولی پروژه اصلاحات به دلیل نوع ساختار نهادهای سیاسی و اقتصادی کشور در دستیابی به اهداف خود، با چالشهایی مواجه گردید و نتوانست نقش مؤثری در کاهش مخاطره سیاسی ایفا نماید.

راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایران

تصویر ارائه شده از عملکرد مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی کشور و نیز چگونگی تعاملات بین‌المللی ایران، نمایانگر آن است که عوامل مذکور در روند ضعف جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایران تأثیر بسزایی داشته و در صورت برقراری تعامل صحیح در روابط بین‌الملل و ایجاد شرایط مناسب توسعه اقتصادی و سیاسی کشور می‌توان زمینه‌های افزایش جریان سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم نمود. به این منظور، در ادامه ضمن نگرش اجمالی به روند ورود سرمایه خارجی به کشور، و با توجه به تأثیرپذیری این جریان از تحولات داخلی و بین‌المللی، راهکارهایی در ابعاد سیاسی و

۱. «گزارشات بررسی ریسک کشوری»، وزارت بازرگانی، صندوق ضمانت توسعه صادرات ایران، سال ۱۳۸۱.

اقتصادی پیشنهاد می‌گردد.

بعد از انقلاب و ملی شدن بسیاری از واحدهای تولیدی، بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی از کشور خارج شدند و استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل شرایط حاکم بر جامعه تا آغاز برنامه اول توسعه، مورد توجه قرار نگرفت. با پایان جنگ و لزوم بازسازی کشور و همچنین کمبود منابع تأمین سرمایه‌ای؛ جلب سرمایه خارجی و انجام اقدامات اصلاحی، در صدر برنامه‌های دولت قرار گرفت، که تبصره ۲۹ قانون برنامه اول توسعه، جهت تأمین کمبود سرمایه خارجی پیش‌بینی می‌گردد. تدوین قانون مناطق آزاد در سال ۱۳۷۲، تسهیلات بیشتری را جهت ورود و خروج سرمایه خارجی به مناطق فراهم نمود که معافیت پانزده ساله مالیات بر درآمد و دارایی مهم‌ترین آن است. در قانون برنامه دوم توسعه، جذب سرمایه خارجی همچنان تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی مطرح بود. میزان سرمایه‌های وارده طی این دوره رشد قابل ملاحظه دارد، ولی از نوسانات متعدد برخوردار است. با تداوم این روند در برنامه سوم توسعه قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ایران و آئین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۸۱ تصویب می‌گردد که این امر منجر به افزایش قابل ملاحظه پذیرش سرمایه‌های خارجی به کشور می‌شود، ولی به دلیل روند سیاستهای اصلاحی داخلی کشور و نیز رفتار سیاست خارجی و تحولات پرشتاب بین‌المللی، جریان سرمایه‌گذاری خارجی طی برنامه سوم توسعه همچنان از روند موزونی برخوردار نیست. طی سالهای (۱۳۷۲-۱۳۸۱) در مجموع، صد و پنجاه و پنج طرح ورود سرمایه خارجی معادل ۳۸۴۰ میلیون دلار به کشور پذیرفته شد، که بخش اعظم آن بصورت تسهیلات مالی (وام شرکا) است و سهم سرمایه‌گذاری خارجی چندان قابل توجه نمی‌باشد.^۱ این در حالیست که بخش قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌گذاری پذیرفته شده تحقق نیافته است.

عملکرد جذب سرمایه خارجی در مناطق آزاد کشور هم علیرغم ایجاد شرایط

سهلتر در این مناطق، چندان موفقیت آمیز نبود. میزان سرمایه جذب شده طی دوره (۱۳۸۰-۱۳۷۳) از این مناطق معادل ۱۲۹۰ میلیون دلار است که نسبت به سرزمین مادر از وضعیت مطلوبتری برخوردار است. بعلاوه حجم سرمایه‌گذاری جذب شده در قالب روش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ایران طی دوره (۲۰۰۲-۱۹۹۷) برابر ۲۳۸ میلیون دلار است^۱ که سهم ایران از جریان ورودی FDI، در قیاس با ارقام جهانی، بسیار اندک است.

اطلاعات ارائه شده در مورد حجم سرمایه‌گذاری خارجی ایران طی دوره بررسی، نمایانگر آن است که سطح فعالیت‌های ایران در این زمینه با سطح جهانی این فعالیت قابل مقایسه نمی‌باشد، این امر علاوه بر بسته بودن اقتصاد ایران و منفک بودن آن از فرایند اقتصاد جهانی، به تأثیرگذاری سیاست‌های داخلی اقتصاد و نیز تحولات بین‌المللی بر سرمایه‌گذاری خارجی ایران تأکید دارد.

بنابراین راهکارهای پیشنهادی ایجاد بستر مناسب ورود بیشتر سرمایه خارجی به کشور، باید ضمن نگرش به تصویر جریان سرمایه خارجی بر اساس شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار (که در مباحث قبل مطرح شده است) صورت پذیرد. در این رابطه راهکارهای ذیل در دو بعد سیاسی و اقتصادی ارائه می‌گردد:

الف) راهکارهای سیاسی

- شناخت نظام بین‌الملل کنونی و چالش‌های ایران در این رابطه، اولین گام شناخت موانع سرمایه‌گذاری خارجی است. در حال حاضر چالش ایران و آمریکا مهمترین مسئله کشور بوده و در زمینه‌های مختلف سیاست خارجی و ایجاد تشنج در روابط بین‌الملل ایران تأثیرگذار است. بنابراین کاهش درگیری‌های دیپلماتیک با آمریکا از اهم موارد بوده و ضروری است تا مسؤولین، در این مورد به یک اجماع نظری دست یابند. توافق در این امر، بسیاری از چالش‌های ایران در زمینه‌های مختلف را به همراه

1. UNCTAD, "World Investment Report", 2003, p.25.

خواهدداشت.

-ایران جهت هماهنگی با نظام جهانی ملزم به رعایت قواعد بین الملل است. در این رابطه با رعایت قواعدی؛ نظیر پذیرش دموکراسی، سیاست زدایی از فرایند تصمیم گیریها، تأکید بر اولویت مسائل اقتصادی و نظم نوین اقتصادی، پدیده جهانی شدن، برتری مکانیزم بازار آزاد، نگرش بین المللی نسبت به مسائل تولید، تکنولوژی و... می تواند خود را با نظام جهانی هماهنگ سازد و از طریق اعتماد سازی و تشنج زدائی موفق به جلب سرمایه خارجی گردد.

-ایران می تواند از طریق بهبود و توسعه روابط سیاسی با کشورهای اسلامی، موجب تقویت همکاریهای اسلامی بویژه همکاریهای مالی و بازرگانی در منطقه شود و بدین ترتیب بستر مناسب برای جذب سرمایه های این کشورها را فراهم نماید.

-امروزه نقش بازیگران غیر رسمی بویژه سازمانهای غیر دولتی در تعاملات جهانی از اهمیت خاصی برخوردار شده است، این بازیگران می توانند به صورت مثبت و یا منفی در روند توسعه ای کشورها و جریان ورودی سرمایه ها تأثیر گذار باشند. ایران با رعایت مسائلی مانند محیط زیست، حقوق بشر، و غیره می تواند دارای مناسبات معقولی با این نوع سازمانها باشد و به موازات این امر با اجتناب از پدیده هایی نظیر تروریسم، مسائل گسترش سلاحهای هسته ای و موارد مشابه، بهانه ایجاد مانع در روند توسعه ایران را توسط این بازیگران از بین ببرد. مجموع عوامل فوق نمایانگر آن است که ایران در صورت رعایت قواعد سیاسی و اقتصادی حاکم بر جهان و اجتناب از مسائل تشنج آفرین و ایجاد بینش توسعه ای به جای بینش امنیتی، در میان مسؤلین و بطور کلی انطباق با نظم نوین جهانی، می تواند تعامل صحیح با دنیای خارج برقرار نموده و بستر مناسبی جهت روند توسعه ای و جذب سرمایه خارجی به کشور را فراهم آورد.

-به دلیل نقش سازمانهای بین المللی و منطقه ای و نیز شرکتهای چندملیتی، چگونگی تعامل ایران با آنان نیز از اهمیت برخوردار است. اکثر این نهادها ناقل جریانهای عظیم سرمایه ای بوده و در جستجوی محیط امن و مناسبی می باشند.

سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای از طریق مناسبات خود با اعضا و شرکتهای چند ملیتی و با هدف سود آوری بیشتر در جریان ورود و خروج سرمایه به کشورها تأثیرگذار هستند. ایران عضویت بسیاری از سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای را داراست و در صورت ارتباطات صحیح می‌تواند از امتیازات آنها بهره‌مند گردد، بعلاوه رعایت استاندارد رفتار با شرکتهای چند ملیتی می‌تواند در جذب سرمایه‌های آنها مؤثر باشد. - پذیرش و الحاق به پروتکلها و مقررات بین‌المللی، نظیر قانون مبارزه با پولشویی جهت جلوگیری از ورود پولهایی با منشاء نامشروع، ضروری است. این امر در حال حاضر به‌عنوان دستاویزی، جهت ایجاد تشنج بین‌المللی علیه ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- جامعه ایران از ویژگیهای توصیف شده یک جامعه توسعه یافته سیاسی؛ مانند شکل‌گیری گروههای همسو و قوی (احزاب)، رقابت سیاسی نهادینه شده، توسعه شبکه‌های ارتباط سیاسی، نهادسازی برای تصمیم‌گیری مشارکتی، قدرت جذب تغییر مستمر، و بالاخره وجود سازمانهای پیچیده و تخصصی شده برخوردار نیست. بنابراین یکی از راهکارهای مهم؛ اصلاح شاخصهای توسعه سیاسی کشور و نهادسازی سیاسی و توسعه این نهادهاست و چارچوب نهادی جدید باید نقشهای قاطعتری به مردم و جامعه اختصاص دهد تا زمینه برای رشد درونزا فراهم گردد.

- بُعد مشارکت جمعی در فرایند نوسازی سیاسی از اهمیت خاص برخوردار است. نیل به این هدف باید با همکاری افراد و تلاش همگی همراه باشد، و این حداقل شرط برای رسیدن به توسعه سیاسی در جامعه ایران است. پایین بودن ظرفیت سیاسی کشور مهمترین دستاویز جامعه جهانی علیه ایران و بالا رفتن ریسک سیاسی کشور محسوب می‌گردد.

- وحدت نظر و هماهنگی بین مسئولین در تعیین اولویتهای جامعه از اهم موارد است، در واقع مسئولین در مسائل سیاسی، اقتصادی و... جامعه باید به یک مفاهمه داخلی برسند تا با تنش‌زدایی داخلی، توانایی نمایش اقتدار سیاسی ایران به جهانیان

را داشته باشند.

- در قانون اساسی با اشاره به حقوق اساسی افراد، رعایت حقوق بشر پیش بینی شده است. عدم رعایت این مؤلفه به دلیل نقش حساس سازمان حقوق بشر در این زمینه، می تواند به صورت یک اصل چالشزا در روابط بین المللی درآید. بنابراین ایران می تواند با رعایت استانداردهای رفتاری و اجتماعی سازمان مزبور، مانع ایجاد چالش در این زمینه شده و بستر مناسبات صحیح بین المللی جهت جذب سرمایه خارجی را فراهم نماید.

- سفارتخانه های ایران با استفاده از کارشناسان آگاه به مسائل بازرگانی و اقتصادی و مشاوره های مخصوص به عنوان مراکز اطلاعاتی فعال می توانند در شناسایی فرصت های سرمایه گذاری خارجی نقش مؤثری داشته باشند.

ب) راهکارهای اقتصادی

- تلفیق نیازهای اقتصاد داخلی کشور با اصول اقتصادی بین المللی از ضرورت های اولیه اصلاح اقتصادی ایران محسوب می گردد. در این رابطه می توان از طریق تحکیم اتحادیه های اقتصادی موجود یا ایجاد اتحادیه های غیر رسمی جدید، مذاکرات موردی، روابط دو جانبه بجای چند جانبه و شناسایی سازمان های مالی بین المللی و شرایط آنها و در صورت امکان پذیرش عضویت آنها، جریان ورود سرمایه های خارجی به کشور را تسهیل نمود.

- فقدان استراتژی اقتصادی، اتکای بیش از حد اقتصاد کشور به درآمد نفت و فقدان هماهنگی سیاست های اقتصادی، عوارض متعددی ایجاد نموده که ثبات و امنیت اقتصادی لازم را برای حفظ و جذب سرمایه گذار خارجی کاهش می دهد. تعیین استراتژی اقتصادی، بویژه در زمینه جذب سرمایه های خارجی، امری مهم در این فرایند است.

- اطلاعات مربوط به وضعیت شاخص های کلان اقتصادی کشور نشان می دهد

که در حال حاضر ایران به دلیل افزایش قیمت نفت از رشد اقتصادی مطلوبی برخوردار است. اجرای سیاستهای پولی مناسب هم تا حدودی تورم را کنترل نموده است. ولی سیاستهای مالی کشور شامل نظام گسترده یارانه‌ای، فرار مالیاتی و هزینه عظیم بخش دولتی، موجب افزایش تورم می‌شود. این متغیر نقش مؤثری در جذب سرمایه خارجی دارد. دولت در اجرای سیاستهای ارزی، با تصویب قانون یکسان سازی نرخ ارز در راستای تثبیت نرخ ارز موفق بوده است و تداوم این روند، در ایجاد ثبات اقتصادی و امنیت در فضای اقتصاد کشور مؤثر بوده و جذب سرمایه را تسهیل می‌نماید. سیاستهای بازرگانی کشور در راستای آزادسازی تجاری، کاهش موانع گمرکی و لغو معافیتها و همچنین گسترش دامنه فعالیت مناطق آزاد تجاری کشور، تا حدودی مطلوب عمل کرده است، ولی هنوز محدودیتهای عمده در بازرگانی خارجی ایران وجود دارد که با رفع آنها، عضویت در سازمان جهانی تجارت هم میسر و جریان ورود سرمایه خارجی به کشور نیز سریعتر می‌شود. دولت با اجرای سیاست آزادسازی نظام بانکداری، اقدام به انطباق فعالیتهای بانکی ایران با استانداردهای جهانی نموده است، بنابراین نظام بانکداری کشور به عنوان یکی از عوامل مهم در جذب سرمایه‌گذاری خارجی همچنان نیازمند اصلاحاتی است.

- محدودیت منابع، معادله‌های جمعیتی و مراحل ترقی علمی و تکنولوژی، متغیرهای مهمی هستند که بر درجات ممکن خوداتکایی مؤثر است. در این رابطه ایران باید با شناخت پتانسیل و تواناییهای اقتصادی خود و ارائه تصویر مناسب از آن به جهانیان، تمایل سرمایه‌گذاران خارجی را افزایش دهد. منابع انرژی فراوان، جمعیت جوان و دستمزد پایین، دسترسی به بازار بزرگ و روبه رشد، تأسیسات زیربنایی، وجود صنایع متنوع، موقعیت جغرافیایی سیاسی و اقتصادی ایران، زیرساختهای فیزیکی و بالاخره سیستم‌های ارتباطی از عمده مزیت‌های اقتصادی ایران است که در صورت شناسایی و بهره‌برداری مناسب از آنها، جاذبه فراوانی برای سرمایه‌گذاری خارجی خواهد داشت. این امر مستلزم برنامه ریزی؛ جهت تشکیل بانکهای اطلاعاتی،

سایت‌های اینترنتی و استفاده از سایر امکانات تبلیغاتی برای معرفی پتانسیل ایران به طرح‌های عمده سرمایه‌گذاری در جهان است.

بر اساس گزارش سالانه^۱ سازمان تجارت و توسعه سازمان ملل متحد، شاخص بررسی عملکرد و شاخص پتانسیل جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نشان می‌دهد که شاخص بالفعل یا عملکرد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم ایران در سال ۲۰۰۰-۱۹۹۸، از میان صد و چهل کشور در رتبه صد و سی و پنج قرار داشته است، در حالیکه شاخص بالقوه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این دوره در رتبه شصت و نهم قرار دارد. این امر نمایانگر پایین بودن عملکرد جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نسبت به تواناییها و پتانسیل جذب است. با تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۱، مسلماً این رتبه باز هم بالاتر رفته و پتانسیل بالقوه جذب ایران بیشتر هم شده است. در این رابطه با تعیین بخش‌های اولویت دار و دارای پتانسیل جذب سرمایه خارجی، تنظیم و معرفی طرح‌های پیشنهادی سازمانها و نهادهای داخلی - به همراه شناسایی امکانات و تواناییهای موجود آنها برای اجرای طرحها با هدف استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی - در فرایند جذب این پدیده، می‌توان مؤثرتر عمل نمود.

- حرکت به سمت آزادسازی بیشتر و تغییر گرایش از سمت دولتی شدن به سوی خصوصی سازی، موجب گسترش عرضه کنندگان داخلی و گسترش شبکه توزیع بخش خصوصی می‌شود که با ایجاد ارتباط قوی بین بخش توزیع (بخش خصوصی) و سرمایه‌های خارجی، انگیزه کافی جهت جذب سرمایه ایجاد می‌شود. در راستای این هدف، روند اجرای خصوصی سازی در برنامه سوم توسعه کشور با سرعت بیشتری نسبت به گذشته پیش بینی شده است. در این برنامه سه دسته الویت برای واگذاری شرکتها شامل فروش سهام شرکت‌های کوچک به اشخاص و کار آفرینان، فروش سهام شرکت‌های متوسط به تعاونیها و تشکلهای و فروش سهام شرکت‌های بزرگ با

حفظ سهام مدیریت دولت موردنظر است. هدف از این فرایند ایجاد محیط رقابتی و کاهش مقررات کنترل‌کننده برای تولیدکننده و گسترش شبکه توزیع است. بعلاوه از رانت جویی شرکتها نیز جلوگیری می‌شود. در صورت اجرای فرایند خصوصی سازی، سرمایه‌گذار خارجی به دلیل مواجهه با محیط رقابتی مناسب جهت عرضه تولیدات خود، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری خواهد داشت. بعلاوه ایجاد بستر مناسب منجر به تشکیل یک بخش خصوصی بزرگ، قوی و کارآمد برای برعهده گرفتن سرمایه‌گذارها در مقیاس بزرگ و مشترک با شرکتهای فراملی می‌گردد. به دلیل نقش مؤثر این حرکت در جذب سرمایه خارجی ضروری است که دولت از سرعت عمل بیشتری برخوردار بوده و مشکلات و موانع را سریعتر رفع نماید.

- تدوین قانون مناطق آزاد در افزایش جریان سرمایه خارجی در این مناطق نسبت به سرزمین مادر تا حدودی مؤثر عمل نموده است، بنابراین می‌توان با گسترش مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی در نقاط جغرافیایی کشور - که دارای استعداد بالقوه و بالفعل در این زمینه هستند - فرایند جذب سرمایه‌گذاری خارجی را تسریع نمود.

- یک کشور می‌تواند با توجه به شرایط داخلی خود و اعتبار بین‌المللی و توانایی پذیرش ریسک و بر حسب پروژه‌های موردنظر، یکی از روشهای گوناگون تأمین مالی و یا ترکیبی از آنها را بکار گیرد. در ایران همواره استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رایجترین روش جذب بود. طی سالهای اخیر روش بیع متقابل^۱ بویژه در طرحهای نفتی و روش BOT (ساخت، بهره‌برداری و واگذاری) جهت تأمین مالی طرحها بکار گرفته شده است. همچنین ضروری است تا سایر روشها نیز، با توجه به محدودیتها و مزایای آنها شناخته و استفاده گردد.

- ایران با افزایش حضور در بازارهای مالی بین‌المللی می‌تواند از فواید و جریانات آزاد سرمایه‌های بین‌المللی برخوردار باشد. انتشار اوراق قرضه ارزی و عرضه

1. Buyback

آن در بازار جهانی در کاهش ریسک اعتباری ایران و تجدید نظر در رتبه اعتباری توسط مؤسسات بین‌المللی، تأثیر قابل توجهی داشته و موجب ارائه تصویری از ثبات و امنیت اقتصادی کشور شده است.

- به دلیل محدودیت قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی جهت فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در بورس اوراق بهادار، پیشنهادی مطرح است که صندوقهای سرمایه‌گذاری با سرمایه سهام پذیرفته شده در بورس تأسیس گردد و سرمایه‌گذار خارجی مجاز به خرید سهام صندوقهای فوق‌الذکر باشد به این ترتیب سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند غیر مستقیم در بازار سهام ایران فعالیت نماید.

- بازار سرمایه در ایران بسته است و اجازه ورود به خارجها در بازار اوراق بهادار ما وجود ندارد. در حالیکه سرمایه‌گذار خارجی در صورت کاهش هزینه ریسک (امکان نقد شدن و فروش سریع) و نهایتاً کاهش هزینه دسترسی به سرمایه در یک کشور، وارد بازار سرمایه آن خواهد شد. لذا توصیه می‌شود با اصلاح مقررات قانون بورس ایران، اجازه سرمایه‌گذاری در بورس به خارجها داده شود. ولی باید برای جلوگیری از تجربه آسیای جنوب شرقی، ورود و خروج سرمایه از ثبت و نگهداری حساب برخوردار باشد. لازم به ذکر است که ایران در چارچوب قواعد بازی اقتصاد بین‌الملل هم مقید

به پذیرش و اجرای سیاستهایی شامل رعایت استانداردهای رفتار با شرکتهای چندملیتی، تلاش جهت عضویت در سازمان جهانی تجارت، اجرای کامل سیاستهای خصوصی‌سازی در کلیه بخشهای اقتصادی به منظور ادغام در بازار جهانی و غیره می‌باشد. اجرای این سیاستها، مستلزم مواجهه با برخی نارسائیهای اقتصادی نظیر پدیده پول شویی، تروریسم اقتصادی، قاچاق و غیره است، تا ایران در ادغام با مراکز مالی جهان به‌عنوان یکی از ضرورت‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی با مشکلی مواجه نگردد. همچنین تغییر ارزشها و ایجاد نگرش تازه نسبت به ورود سرمایه خارجی متناسب با تحولات جامعه، ضروری است.

- ارائه خدمات تشویقی سرمایه‌گذاری و ایجاد تصویر ذهنی مطلوب از شرایط سیاسی و اقتصادی ایران در جذب سرمایه خارجی مؤثر است. تهیه بروشورهای تبلیغاتی، تشکیل جلسات در داخل و خارج برای سرمایه‌گذاران بالقوه خارجی و ارائه اطلاعات در مورد شرایط سرمایه‌گذاری در کشور، با معرفی طرحها و پروژه‌های قابل سرمایه‌گذاری در سازمانها و نهادهای کشور به شرکتهای خارجی، از اهم اقدامات ترویجی و تشویقی است. به علاوه از طریق نمایندگیهای ایران در خارج می‌توان ضمن ارائه اطلاعات، علاقمندان به سرمایه‌گذاری در ایران را شناسایی نموده و با برگزاری تورهای سرمایه‌گذاری آنها را با موقعیت ایران آشنا نمود.

- پارکهای علمی پارکی سازمانی است که بدست متخصصان حرفه‌ای اداره می‌شود و هدف اصلی آن افزایش ثروت و قدرت رقابت با اتکاء به دانش و پژوهش است. یکی از کارکردهای این پارکها جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. لذا از طریق ایجاد یک مجموعه مناسب از شرکتهای تولیدی و خدماتی مرتبط با صنایع سرمایه‌گذاران بین‌المللی در قالب پارکهای علمی، می‌توان زمینه مناسبی جهت جذب سرمایه خارجی فراهم نمود.

- موفقیت چشمگیر کشورهای آسیای شرقی در جذب سرمایه خارجی و ظهور موفق کشورهایمانند هند، مکزیک و برزیل در این زمینه ایجاب می‌کند شیوه‌های هر یک از این دولتها در زمینه سیاستهای اقتصادی از قبیل کاهش مالیاتها، حق امتیازها، معافیتهای گمرکی، تخفیفها، سرمایه‌گذاریهای زیربنایی، سیاستهای تشویقی صنایع کوچک، رفع محدودیتها، حدود نقش دولت و غیره بحث و بررسی شود تا بتوان شیوه مناسب را با ترکیبی از این سیاستها برای جذب سرمایه‌گذاری به کشور اتخاذ نمود.

- نکته قابل توجه در بسترسازی جذب سرمایه خارجی، ضرورت حساسیت دولتمردان به نرخهای مخاطره ایران است. امروزه سرمایه‌گذاران عمده جهانی با تمسک به نظرات رتبه بندی مؤسسات تحقیقاتی تعیین مخاطره، بازار هدف

سرمایه‌گذاری خود را تعیین می‌نمایند. نرخهای مخاطره ایران نیز از طرف مؤسسات مزبور بطور مستمر بررسی و اعلان می‌گردد. بهبود روند شاخصهای کلان اقتصادی طی دهه اخیر از یک سو، و کاهش رتبه مخاطره ایران مبتنی بر این روندها از سوی دیگر، نمایانگر گرایش مطلوب به سوی توسعه اقتصادی و بسترسازی جذب سرمایه خارجی است، اما نکته قابل توجه آنکه گرچه دولت، سیاستهایی در جهت اصلاحات اقتصادی صورت داده‌است و به موفقیتهایی هم در این زمینه نایل شده، ولی بهبود روند شاخصهای اقتصادی ایران و حتی کاهش رتبه ریسک اقتصادی، عمدتاً به دلیل بهبود وضعیت مالی کشور، و ناشی از ذخایر ارزی حاصل از افزایش قیمت نفت بوده و بسیاری از مشکلات ساختاری اقتصاد کشور همچنان باقیست. لذا ضروریست تا عوامل خطرزا در ایران شناسایی شده، و برای کاهش رتبه مخاطره و برقراری امنیت اقتصادی، برنامه ریزی لازم صورت گرفته و یک تصویر مثبت از وجود ثبات در ایران ارائه گردد. این امر می‌تواند از طریق یک سازمان متولی بررسی مخاطره صورت گیرد.

- وجود فعالیتهای اقتصادی غیررسمی در قالب نهادهای غیررسمی نمایانگر توسعه نیافتگی در کشورها و یکی از موانع عمده جذب سرمایه خارجی است. در ایران درصد بالایی از ساختار اقتصاد مالی در قالب نهادهای غیررسمی بوده و در چارچوب قانون قرار ندارند. اینگونه نهادها با وجود بهره‌مندی از بودجه دولتی خود را مقید به رعایت مقررات مالی کشور نمی‌دانند این امر منجر به برقراری حاشیه سود برای آنان می‌شود که مانع عمده ایجاد یک محیط رقابتی مناسب برای سرمایه‌گذار خارجی در ایران می‌باشد.

- حاکمیت بیش از چندین دهه دولت بر اقتصاد ایران و اتکای کشور بر درآمدهای نفتی موجب ظهور انحصارات گسترده و ایجاد رفتارهای رانت طلبانه در اقتصاد کشور شده‌است، کاهش امنیت اقتصادی و متعاقب آن کاهش سرمایه‌گذاری خارجی از عواقب وجود چنین پدیده‌ای در اقتصاد کشور است. یکی دیگر از عوارض اقتصاد دولتی و بسط حکومت رانت جو، ایجاد فساد اداری و اقتصادی است، در نتیجه

وجود این پدیده، ساختار اقتصادی و اداری کشور ناکارا شده و بستر مناسب جریان سرمایه خارجی از بین می‌رود. دولت، طی سالهای اخیر با اجرای اصلاحات اقتصادی و تدوین قوانین و مقررات جدید، در صدد اصلاح شرایط مذکور برآمده است که باید تداوم یابد.

- ایجاد و اصلاح نهادهای ضروری در کنار سایر عوامل برای تسهیل فرایند جذب سرمایه در یک جامعه ضروری است. دو دهه حاکمیت بینشها و ارزشهای بوروکراتیک و بعضاً مخالف یا ناهماهنگ با جذب سرمایه خارجی در نهادهایی که فرایند اجرایی جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشور را به عهده دارند، موجب کندی فرآیند اجرایی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور شده است، لذا اصلاح و یا تأسیس نهاد جدید متناسب با توانایی قدرت جذب تغییر، در راستای افزایش جذب سرمایه‌های خارجی امری اجتناب ناپذیر است.

- وجود قانون سرمایه‌گذاری خارجی، بدون تضمین ثبات در سایر قوانین مربوط به فعالیتهای اقتصادی کافی نبوده و نمی‌تواند شرایط ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری طولانی مدت را در کشور فراهم نماید. لذا اصلاح ساختار و استمرار قوانین و مقررات مرتبط با فعالیت سرمایه‌گذاری کشور - جهت امنیت سرمایه‌گذاری خارجی - ضروری است.

- مبارزه با فساد قبل از هر چیز مستلزم شناخت زمینه‌ها و ریشه‌های فساد است. علاوه بر سیاستهای اصلاحی دولت؛ نظیر آزاد سازی تجاری، لغو موانع غیر تعرفه‌ای، آزاد سازی قیمت‌ها، شفاف کردن یارانه‌ها، مقررات‌زدایی و غیره؛ جهت از بین بردن بسترهای فساد، تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی - تحت نظر سه قوه - از اقدامات جدی دولت در این زمینه است. دولت با توجه به چنین اقدامی باید گامهای اجرایی اولیه را برای مبارزه با فساد اقتصادی بردارد، تا بستر مناسب جذب سرمایه‌گذاری خارجی هموار گردد.

- ایجاد نگرش تازه و تغییر ساختاری در ابعاد مختلف یک جامعه در صورت

وجود نخبگان میسر است، در این رابطه پدیده فرار مغزها مشکل بزرگی را برای جامعه در حال نوسازی ایران ایجاد نموده است. در صورت ورود سرمایه خارجی، جامعه نیازمند یک مدیریت قوی و متخصص است تا توانایی بهره‌گیری از این سرمایه‌ها را داشته باشد. بنابراین تأکید بر اهمیت نقش متخصصین و جذب و نگهداری آنان از اهم وظایف مسئولین است

- توسعه اداری و قانونی در فرایند نوسازی و ایجاد نگرشهای تازه نسبت به مسائل جامعه لازم است. لذا از دیدگاه اقتصادی یکی از اهداف قانون کار، باید سرمایه‌گذاری، امنیت سرمایه و مدیریت سرمایه (افزایش بازدهی) باشد و این مستلزم بررسی مجدد مفاد قانون کار در زمینه جذب سرمایه خارجی است. البته امنیت کاری برای کارگران از وظایف قانون کار است. ولی حمایت‌های قانونی بیش از حد کارگران می‌تواند عواقبی نظیر کاهش استخدام نیروی کار، گرایش به تکنولوژی سرمایه بر و غیره را به دنبال داشته باشد و چون سرمایه‌گذار به‌عنوان فعال بخش خصوصی عمل می‌کند، مناسب است که مفاد قانون کار کشور در این رابطه مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت نقش سرمایه‌های خارجی به‌عنوان عامل مؤثر بر روند توسعه جوامع و ضرورت ایجاد بستر مناسب این فرایند و همچنین وجود رقابت گسترده در این زمینه میان کشورهای مختلف، اتخاذ راهکارهای مؤثر جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای ایران از اهمیت خاص برخوردار است.

بررسی عملکرد مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی حاکم بر روند توسعه کشور در قالب عوامل بیرونی و درونی (سیاسی و اقتصادی) نمایانگر آنست که هر یک از عوامل مذکور در ارتباط با یکدیگر بر فرایند جذب سرمایه خارجی به کشور تأثیر گذار هستند، بنابراین جهت اتخاذ راهکار عملی با هدف تسریع جریان سرمایه‌گذاری خارجی،

علاوه بر توجه به تعامل صحیح ایران در نظام بین الملل، پذیرش ضرورت اصلاح عوامل داخلی تأثیرگذار امری اجتناب ناپذیر است.

در این رابطه مقاله مزبور با هدف بهبود جایگاه ایران در نظام بین الملل و اعتمادسازی در جهان و نیز ایجاد فضای مناسب اقتصادی و سیاسی در داخل کشور، جهت فعالیت سرمایه‌های خارجی، راهکارهایی را ارائه می‌دهد، که این راهکارها به موازات یکدیگر حائز اهمیت است.

کتابنامه:

۱. بهکیش، محمد مهدی. اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نشر نی سال ۱۳۸۰.
 ۲. تودرو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه علامعلی فرجادی. تهران: مؤسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸.
 ۳. زنور، بهروز هادی. سرمایه‌گذاری خارجی در ایران. تهران: نشر فرزبان، چاپ اول، ۱۳۸۰.
 ۴. سریع القلم، محمود. توسعه جهان سوم و نظام بین‌الملل. تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹.
 ۵. فرامرزیان، علیرضا. مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی. تهران: سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
 ۶. قادری، سیدعلی. مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.
 ۷. تقی‌زاده، خدیجه. «چگونگی مؤثر بودن مناطق آزاد در جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی». دانشکده امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۱.
 ۸. نظیفی، فاطمه. «اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد کشورهای در حال توسعه». دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۴.
 ۹. ولی‌پور، سیدحسین. درآمدهای بنیادهای اجتماعی امنیت. راهبرد، شماره ۱۴۴، (۱۳۸۱).
 ۱۰. گزارشات بررسی ریسک کشوری». وزارت بازرگانی. صندوق ضمانت توسعه صادرات، ۱۳۸۱.
11. "United Nations". *World Investment Report*, 2003.